

فراز پانزدهم :

مقام توکل و تسلیم پارسایان

"تراه قریبا أمله ، قليلا زلله ، خاشعا قلبه ، قانعة نفسه ، منزورا أكله ، سهلا أمره ، حريزا دينه ، ميته شهوته ، مكظوما غيظه . الخیر منه مأمول ، و الشر منه مأمون . إن كان في الغافلین كُتب في الذاكرين ، و إن كان في الذاكرين لم يُكتب من الغافلین ."

ترجمه : انسان پرهیزکار را می نگری ، در حالی که آرزویش نزدیک، لغزشش اندک ، دلش فروتن ، نفسش قانع ، خوراکش کم ، کارش آسان، دینش محفوظ ، شهوتش مرده ، و خشمش فرو نشانده است. مردمان به خیر او امید وارند و از شر او در امام هستند ، اگر در جمع بیخبران باشد ، نامش در گروه ذاکران نوشته می شود ، و اگر در میان ذاکران باشد ، نامش در زمره بی خبران نوشته نمی شود.

شرح :

امام علی(ع) در این عبارت، به صفات دیگر از متقین اشاره می فرماید. مجموعه این صفات ، به یکی از ویژگیهای مهم پارسایان باز می گردد و آن عبارت است از رسیدن به مقام توکل و تسلیم در برابر خدا.

انسانی که در مسیر تکامل نفس حرکت کند ، پس از وصول به مقام قرب الهی ، شش حالت کمالی را به شرح ذیل بدست می آورد :

مقام توکل

رسیدن به این مقام برای کسانی میسر است که به مرتبه ای والا از معرفت خداوند نائل آمده اند که در پرتو آن ، راه صحیح زندگی را تشخیص می دهند و در همه مراحل حیات ، لطف خدا را در کنار خود دارند. آنان به عمق سخن امام علی (ع) در روایتی کوتاه پی برده اند که می فرماید:

"مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ ، و مَنْ سَأَلَهُ أَعْطَاهُ ، و مَنْ أقرضَهُ قَضَاهُ ، و مَنْ شَكَرَهُ جَزَاهُ."

یعنی : آنکسی که بر خدا توکل کند ، خداوند کفایت امر او را خواهد فرمود ، و کسی که از خدا استمداد کند ، بر او خواهد بخشید ، و کسی که به او قرض دهد ، ادا خواهد کرد ، و به کسی که سپاس او را به جای آورد ، پاداش خواهد داد.

از کوی نیک نامی باید قدم کشیدن
یا خط عاشقی را بر سر قلم کشیدن

گر او جفا پسندد بر عاشقان مسکین
ما نیز می پسندیم از وی ستم کشیدن

از جور او شکایت کفر است زانکه در عشق
شرط صمد پرستی است ناز صنم کشیدن

پیر مغان به جامم یک جرعه باده ناب
افکند و فارغم کرد از جام جم کشیدن

گر پرده های گیسو از چهره بر گشاید
بر حرف آفرینش خواهد قلم کشیدن

گر گندمی ز خالت افتد بدست آدم
آسان نماید او را پای از ارم کشیدن

مقام رضا

اگر انسان به این درجه از معرفت برسد که خداوند بیش از والدین و هر شخص دیگری به بنده اش علاقه و محبت دارد و در همه احوال ، خیر او را می خواهد و آنچه نصیب او می کند برایش سودمند و مفید است، در این صورت در برابر خواسته های خداوند کاملاً راضی و از آنچه قسمت او فرموده خوشنود است. او هرگز از بروز بلا و یا به خاطر فقدان نعمتی نمی نالد و اندوهناک نمی شود. مقام رضا ، در حقیقت مقام آزادی واقعی انسان است.

در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد
حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

از من اکنون طمع صبر و دل و هوش مدار
کان تحمل که تو دیدی همه بر باد آمد

زیر بارند درختان که تعلق دارند
ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد

مقام تسلیم

امام علی (ع) در سخنی دیگر ، حقیقت مقام تسلیم را اینچنین تبیین می فرماید:

"الإسلام هو التسليم ، و التسليم هو اليقين ، و اليقين هو التصديق ، و التصديق هو الإقرار ، و الإقرار هو الأداء ، و الأداء هو العمل".

یعنی : اسلام ، همان تسلیم است ، و تسلیم عبارت است از یقین ، و یقین عبارت است از تصدیق و ایمان به راستین بودن شریعت ، و تصدیق عبارت است از اقرار و اعتراف به حقیقت ، و اقرار عبارت است از اداء و بجا آوردن وظائف ، و اداء عبارت است از عمل.

بنا بر این سخن ، مقام تسلیم دارای سه بُعد است : بعد لفظی که عبارت است از اقرار ، و بعد قلبی که عبارت است از تصدیق ، و بعد رفتاری که عبارت است عمل کردن.

اگر انسان به این مرتبه از کمال معنوی نائل شود ، اراده او در راستای اراده خداوند قرار می گیرد و آنچه را خدا بخواهد می خواهد و آنچه را خدا نمی پسندد ، نمی پسندد. بنا بر این ، کسی که به این مقام برسد ، به دو نعمت بزرگ دست می یابد : یکی آرامش دل ، و دیگری سیطره بر طبیعت.

تا اختیار کردم سر منزل رضا را
مملوک خویش دیدم فرمانده قضا را

تا ترک جان نگفتم آسوده دل نخفتم
تا سیر خود نکردم نشناختم خدا را

چون رو به دوست کردی سر کن به جور دشمن
چون نام عشق بردی آماده شو بلا را

اما سه مقام دیگر یعنی : "توحید" ، "اتحاد" و "وحدت" بیانگر مراتب عالیه شناخت انسان نسبت به حق تعالی هستند.

فراز شانزدهم :

گذشت پارسایان

"يَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ ، وَ يُعْطِي مَن حَرَمَهُ ، وَ يَصِلُ مَن قَطَعَهُ ، بَعِيدًا فُحْشُهُ ، لَيْتِنَا قَوْلُهُ ، غَائِبًا مُنْكَرُهُ ، حَاضِرًا مَعْرُوفُهُ ، مُقْبِلًا خَيْرُهُ ، مُدْبِرًا شَرَّهُ." .

ترجمه : کسی را که به او ظلم کرده است ، عفو می کند ؛ و به کسی که او را محروم ساخته می بخشد ؛ و به آنکس که از وی بریده می پیوندد ؛ از سخن ناشایست دور است ، کلام او ملایم است ، بدی او پنهان ، و خوبی او آشکار است ، خیر او فرا رسیده ، و شر او رخت بر بسته است.

شرح :

امام علی(ع) در اینجا به یکی از ابعاد بلند روح پارسایان اشاره دارد ، و آن عبارت است از خوی گذشت. این صفت زیبا در مظاهر گوناگونی که امیر مؤمنان (ع) بیان فرموده است تجلی می کند ، یعنی : عفو کردن آنکه در حق وی ظلم کرده ، و بخشیدن به کسی که او را محروم ساخته ، و پیوستن به آنکه از او بریده است.

انسان پارسا در همه این حالات نیز ، نه تنها از کلام نازیبا و رفتار ناشایست اجتناب می کند ، بلکه با بیان نرم و ابراز احسان و نیکی ، با افراد دیگر رفتار می نماید.

این مرتبه از کمال معنوی ، بالاترین مرحله از ایثار ، و خوی پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) است.

قرآن مجید در سوره آل عمران ، آیه های 133 و 134 چنین می فرماید :

"وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ" .

یعنی : بشتابید به سوی آمرزش از جانب خداوند و بهشتی که پهنای آن به اندازه آسمانها و زمین است و برای پارسایان فراهم شده است. آن کسانی که در هنگام گشایش و تنگدستی انفاق می کنند ، و خشم خود را فرو می نشانند ، و مردم را مورد عفو و گذشت قرار می دهند، و خداوند نیکوکاران را دوست دارد".

پیامبر گرامی اسلام (ص) در حدیثی کوتاه ، چنین می فرماید :

"ألا أدلكم على خير أخلاق الدنيا والآخرة؟ تصل من قطعك و تعطي من حرملك و تعفوا عن ظلمك".

یعنی : آیا شما را راهنمایی کنم به بهترین اخلاق در دنیا و آخرت؟ ؛ اینکه بپیوندى به آنکه از تو بریده است ، و ببخشی بر آنکه تو را محروم ساخته است ، و گذشت کنی از آنکه به تو ستم کرده است.

بنا بر این حدیث شریف ، صفت "گذشت" ، عالی ترین خوی انسانی است که هم در دنیا و هم در آخرت ، موجب نجات انسان می گردد.

در حدیث دیگری از رسول خدا (ص) چنین می خوانیم :

"إذا كان يوم القيامة ينادي مناد يسمع آخرهم كما يسمع أولهم ، فيقول : أين أهل الفضل؟ فيقوم عنق من الناس ، فتستقبلهم الملائكة فيقولون: ما فضلكم هذا الذي نوديتم به؟ فيقولون : كنا نجهل علينا في الدنيا فنحمل ، و نساء إلينا فنعفو. فينادي مناد من الله تعالى : صدق عبادي ، خلوا سبيلهم ليدخلوا الجنة بغير حساب".

یعنی : آنگاه که روز قیامت فرا رسد ، گوینده ای ندا می دهد ، به نحوی که اول و آخر مردم می شنوند ، پس می گوید : کجايند اهل فضيلت؟

برخی از مردم خود را معرفی می کنند. فرشتگان به آن گروه می گویند: آن فضیلتی که از شما خواسته شد کدام است؟

آنان می گویند : حقّ ما در دنیا ناشناخته می شد و ما تحمل می کردیم و با ما بد رفتاری می شد و ما گذشت می نمودیم.

در این حال ، گوینده ای از جانب خدا ندا می دهد : بندگان من راست می گویند ، راه آنان را بگشایید تا بدون محاسبه به سوی بهشت روند.

بدین جهت ، از دیدگاه اسلام ، عفو و گذشت به عنوان "زکات قدرت" معرفی شده است.

پیشوایان معصوم ما که مردم را بدین خوی پسندیده دعوت کرده اند ، خود نیز در این زمینه سرآمد دیگران بوده اند. به عنوان مثال ، پیامبر گرامی اسلام (ص) ، قاتل عموی خود حمزه را که ضربه بزرگی به روحیه رسول خدا و عموم مسلمانان زده بود ، مورد عفو قرار داد.

امام علی (ع) پس از مجروح شده بدست ابن ملجم ، به امام حسن (ع) فرمود : اگر زنده بمانم ، او را می بخرم ، و در مدتی که اسیر است با او مدارا کنید.

امام حسین (ع) نیز ، حرّ ابن یزید ریاحی را که راه را در کربلا بر آن حضرت و یارانش بسته بود ، مورد عفو قرار داد.

چهار چیز شد آیین مردم هنری
که مردم هنری زین چهار نیست بری

یکی سخاوت طبعی چو دسترس باشد
به نیک نامی آن را ببخشی و بخوری

دو دیگر آنکه دل دوستان نیازاری
که دوست آینه باشد چو اندراو نگری

سه دیگر آنکه کسی کو بجای تو بد کرد
چو عذر خواهد نام گناه او نبی

چهارم آنکه زبان را به گاه گفتن زشت
نگاه داری تا وقت عذر غم مخوری

فراز هیفدهم :

استقامت پارسایان

"فِي الزَّلَازِلِ وَقُورٍ ، وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٍ ، وَ فِي الرِّخَاءِ شُكُورٍ . لَا يَحِيفُ عَلَى مَنْ يَبْغِضُ ، وَ لَا يَأْتِمُ فِيمَنْ يُحِبُّ".

ترجمه : در زلزله ها (یعنی حوادث هولناک) با وقار و آرام است ، در ناگواری ها بردبار ، و در هنگام گشایش سپاسگزار است. بر کسی که دشمن دارد ظلم نمی کند ، و در مورد کسی که دوست دارد ، مرتکب گناه نمی شود.

شرح :

امام علی (ع) در این عبارت ، به دلاوری ، مقاومت ، سپاسگزاری ، انصاف و ثبات پارسایان اشاره می فرماید. مجموعه این صفات زیبا و برازنده ، در یک ویژگی پرهیزکاران - یعنی : استقامت - تبلور می یابد.

از این نکته استفاده می شود که در حقیقت ، پارسایان ، راست قامتان تاریخند.

بنا بر این ، استقامت ، یکی از بلند ترین قلّه های کمال انسان است و رسیدن به آن مرتبه رفیع ، کاری طاقت فرسا و سنگین است. بدین جهت ، پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند : "شَبَّيْتَنِي سُوْرَةُ هُوْدٍ". یعنی : سوره هود مرا پیر ساخت. دلیل این امر این است که در سوره هود ، خداوند بزرگ ، پیامبر گرامی اسلام (ص) و مؤمنان را به استقامت فرمان می دهد و چنین می فرماید:

" قَاسَتْكُمْ كَمَا أَمَرْتُمْ وَمَنْ تَابَ مَعَكُمْ وَلَا تَطْعُوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيْرٌ".

یعنی : ای پیامبر ! استقامت و پایداری کن ، و آنانکه با تو به سوی خدا باز گشته اند. و سرکشی نکنید ، زیرا خداوند به کارهای شما آگاه و بیناست.

اینک به شرح پنج صفتی که از سرچشمه استقامت می جوشند ، می پردازیم :

دلاوری

شجاعت حقیقی در برابر پیشامدهای سخت روزگار ، در پرتو اتکال انسان بر قدرت لایزال خداوند بدست می آید . قرآن مجید در این زمینه چنین می فرماید:

"إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ". (سوره فصلت ، آیه 30).

یعنی : آنانکه گفتند : پروردگار ما الله است و آنگاه استقامت و پایداری ورزیدند ، فرشتگان بر آنان فرود می آیند و می گویند : نترسید و غمگین مباشید و مزده باد شما را به بهشتی که به شما وعده داده شده است.

مقاومت

پایداری در برابر طوفان حوادث نیز ، در سایه ایمان راستین به پروردگار بزرگ حاصل می گردد. از اینرو ، امیر مؤمنان (ع) در سخنی دیگر چنین می فرماید:

«المؤمن كالجبل الراسخ ، لا يعصفه العواصف».

یعنی : مؤمن همانند کوه استواری است که طوفان های سهمگین ، او را از پا در نمی آورند.

اینجانب نیز در قطعه شعری ، به این نکته ارزشمند اشاره کرده ام :

هر آنکو بُود بنده کردگار
نترسد ز پیشامد روزگار

نلرزد به میدان ز بانگ تبیر
نه در بیشه زاران ز هرآی شیر

نرنجد ز توفان چو باز شکار
که توفان ستور است و او شهسوار

بر او هر چه توفنده تر بگذرد
فزاید فراز و فرا تر پرد

سپاسگزاری

در پی دلاوری و مقاومت در برابر ناملایمات ، عادتاً حالت گشایش در کار و پیروزی بدست می آید. بنا بر این ، امام علی (ع) در ادامه سخن خود ، به ضرورت شکر نعمت و سپاسگزاری پارسایان در هنگام فرا رسیدن رفاه و آسایش اشاره می فرماید. زیرا پاس نعمت داشتن ، موجب تداوم و گسترش رحمت الهی می گردد ، همانگونه که قرآن مجید می فرماید:

" وَإِذْ تَأْتِيَنَّكُمْ لِيُنْفِئَكُمْ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْكُمْ وَإِنَّا نَكْتُبُهَا فِي الْكِتَابِ " (سوره ابراهیم ، آیه 7).

یعنی : و آنگاه که پروردگارتان اعلام فرمود : اگر سپاسگزار باشید ، بر نعمتهای شما می افزایم ؛ و اگر کفر ورزید ، کیفر من سخت است.

شکر نعمت ، نعمت افزون کند
کفر نعمت از کفت بیرون کند

انصاف و ثبات

منصف بودن در همه حالات ، حتی در برابر مخالفان و دشمنان ، و ثبات نفس و عدم خروج از دایره حق در برخورد با دوستان و خویشاوندان ، از جمله صفات ارزنده انسان های پرهیزکار است. امام علی (ع) در نامه بلند خود به مالک اشتر ، او را به مراعات انصاف در برابر موافقان و مخالفان خود و مسلمانان و غیر مسلمانان فرمان می دهد و چنین می فرماید :

"وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا صَارِبًا تَعْتَبِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ، وَإِمَّا نَبْطِرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ، يَغْرَطُ مِنْهُمْ الزَّلِيلُ وَتَعْرَضُ لَهُمُ الْعِلَّةُ، يُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَالْخَطَا، فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تَجِبُ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ".

یعنی : دل خود را پر از مهر و محبت و لطف نسبت به مردم ساز ؛ مبادا مانند حیوان درنده ای باشی که خوردن آنان را غنیمت شماری ؛ چه آنکه مردم بر دو دسته اند : یا برادران تو هستند در دین ، و یا هممنوع تو هستند در آفرینش. آنان اهل لغزش هستند و عیوبی بر آنان عارض می شود و گاهی به عمد یا خطا ، کارهای ناروایی انجام می دهند ؛ پس آنان را مورد عفو و گذشت خود قرار ده ، همانگونه که می خواهی خداوند تو را مورد عفو و بخشش قرار دهد.

امیر مؤمنان (ع) در همان نامه در زمینه برخورد عادلانه با دوستان و خویشاوندان ، چنین می فرماید:

"أَنْصِفِ اللَّهَ وَأَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَمِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ، وَمَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى مِنْ رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَطْلِمُ، وَمَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ، وَمَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَضَ حَجَّتَهُ، وَكَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتُوبَ".

یعنی : با خدا و با مردم و با نزدیکان خویش و مردمانی که آنان را دوست داری با انصاف رفتار کن. اگر چنین نکنی ستم کرده ای ؛ و کسی که بر بندگان خدا ستم کند ، خداوند بجای بندگانش دشمن او می گردد ، و کسی که خدا با او دشمن باشد ، دلیل او را باطل می گرداند ، و چنین کسی با خداوند سر جنگ دارد ، تا آنگاه که رفتار خود را رها سازد یا توبه کند.

فراز هیجدهم :

درستکاری پارسایان

"يَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ ، لَا يُضِيعُ مَا اسْتَحْفِظُ ، وَ لَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ ، وَ لَا يُنَابِزُ بِالْأَلْقَابِ ، وَ لَا يُضَارُّ بِالْجَارِ ، وَ لَا يَشْتُمُ بِالْمَصَانِبِ ، وَ لَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ ، وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَقِّ".

ترجمه : پیش از گواهی دادن دیگران بر علیه او به حق اعتراف می کند، و آنچه را به او سپرده اند به هدر نمی دهد ، و آنچه را به او یادآور شده اند ، فراموش نمی کند ، و لقب های زشت به کار نمی برد ، و به همسایه زیان نمی رساند ، و از مصائب دیگران شاد نمی گردد ، و در کارهای باطل وارد نمی شود ، و از دایره حق بیرون نمی رود.

شرح :

راستی و درستی ، دو نشانه دیگر مردان خدا و پرهیزکاران است. انسان پارسا از دو چهره بودن و ناسازگاری گفتار و رفتار که علامت نفاق است ، بیزار می جوید. زیرا او به این حقیقت معتقد است که :

گر راست بگویی و در بند بمانی
به زانکه دروغت دهد از بند رهایی

این ارزش الهی ، مبنای رفتارهایی به شرح ذیل است که امام علی (ع) به آنها اشاره می فرماید:

اعتراف به حق

قرآن کریم ، کسانی را که سخن حقی را به نفع آنها نیست کتمان می کنند و حقیقتی را که بدان آگاهی دارند نمی گویند ، مورد مذمت قرار می دهد و می فرماید :

"يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلِيْسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ".

(سوره آل عمران، آیه 71).

یعنی : ای اهل کتاب ، چرا حق را با باطل در هم می آمیزید و حقیقتی را که می دانید ، می پوشانید؟.

امانت داری

خداوند در قرآن مجید ، مردم را به امانت داری و بازگرداندن آن به اهلش فرمان می دهد و چنین می فرماید :

"إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَعْدِلُوا بِالْعَدْلِ".

(سوره نساء ، آیه 58).

یعنی : خدا شما را فرمان می دهد تا امانت ها را به اهل آنها بدهید ، و هرگاه حکم کردید ، به عدالت حکم کنید.

امام صادق (ع) می فرماید :

"لو أودع عندي السيف الذي قتل به جدِّي الحسين عليه السلام ، لأردّه إلى صاحبه".

یعنی : اگر شمشیری که با آن جدّم امام حسین (ع) کشته شد را نزد من به امانت بگذارند ، مطمئناً آن را به صاحبش باز می گردانم.

مراقبت

در علم اخلاق ، بر اهمیت دو صفت زیبای پرهیزکاران یعنی مراقبت و محاسبه تاکید می ورزند. منظور از مراقبت آن است که انسان در همه حالات ، مواظب رفتار و گفتار و پندار خود باشد و وظائف شرعی و قانونی خود را در برابر خدا ، فراموش نکند.

منظور از محاسبه این است که در طول شبانه روز - بخصوص قبل از اینکه بخوابد- دقایقی را به تأمل و تفکر در باره افکار و اعمال آن روزش بپردازد ، و اگر نقصی در عملکرد روزانه خود ببیند ، توبه کند و تصمیم بر جبران آن بگیرد.

پرهیز از سخن ناروا

قرآن کریم ، مردم را از گفتار ناروا و به کار بردن القاب نازیبا بر حذر می دارد و در سوره حجرات ، چنین می فرماید:

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَابِ".

یعنی : ای کسانی که ایمان آورده اید ، برخی از شما بعضی دیگر را استهزاء نکنند ، چه بسا ایشان از آنان بهتر باشند ؛ همچنین برخی از زنان بعضی دیگر از بانوان را مورد تمسخر قرار ندهند ، چه بسا ایشان هم از آنان بهتر باشند ؛ و از همدیگر عیبجویی نکنید ، و یکدیگر را با القاب زشت نخوانید.

رعایت حقوق همسایگان

پیامبر گرامی اسلام (ص) در حدیثی که قریب به این مضمون است ، فرموده اند : آنقدر جبرئیل مرا به مراعات حقوق همسایگان سفارش کرد که گمان بردم همسایه از همسایه ارث خواهد برد.

عدم شماتت

شماتت - به معنای خوشحال شدن به خاطر گرفتاری دیگران - یکی از صفات رذیله است. بنا بر این ، سیاحت مقدس پرهیزکاران باید از آلوده شدن به این خصلت ناروا پاک و منزّه باشد.

پرهیز از باطل و التزام به حق

خداوند ، اساس عالم را بر مبنای حق و عدالت قرار داده است و از انسانها نیز خواسته تا همواره بر گرد محور دادگری حرکت کنند و از باطل پرهیزند. طبیعی است که پارسایان باید در رأس بندگان خدا باشند که حرکت در مسیر حق را برگزیده اند و از سقوط در مرداب باطل در امانند.

اینجانب در قطعه شعری کوتاه ، به این حقیقت اشاره کرده ام :

جهان را خدای درستی و داد
بر اورنگ داد و درستی نهاد

به فرمان او مردمان را بُود
ترازوی سنجیدن خوب و بد

که تا مرز داد آفرین نشکنند
ز گیتی درخت ستم بر کنند

ز سویی دگر دیو کین و گناه
پی افکنده دامی فریبا به راه

ز نیرنگ اهریمن بد سگال
به باغ درستی بخشکد نهال

زمان تیره گردد به رنگ ستم
بمیرد زمین از شرنگ ستم

فراز نوزدهم :

ادب پارسایان

"إِنْ صَمَتَ لَمْ يَغْمَهُ صَمْتُهُ ، وَ إِنْ ضَجَّكَ لَمْ يَعْلُ صَوْتُهُ ، وَ إِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ صَبْرٌ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَنْتَقِمُ لَهُ . نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ ، وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ . أَتَعَبَ نَفْسَهُ لِأَخْرَتِهِ ، وَ أَرَّاحَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ".

ترجمه : هرگاه ساکت است ، خاموشی او را غمگین نمی کند ؛ هرگاه بخندد ، آوازش بلند نمی شود ؛ هرگاه بر او ستم شود ، صبر می کند تا خداوند انتقام او را بگیرد. نفس او از دستش در مشقت است ، و مردم از او در آسایش ؛ نفس خود را به خاطر آخرتش به زحمت می اندازد ، و دیگران را از آن آسوده می سازد.

شرح :

امام علی(ع) در این عبارت زیبا به جلوه هایی از ادب پرهیزکاران به شرح ذیل ، اشاره می فرماید :

سکوت

کنترل زبان ، یکی از ویژگیهای ضروری پارسایان به شمار می رود. معنای این امر آن است که انسان پرهیزکار ، هرگاه سخنی را در جهت رضای خدا و نفع مردم بداند ، به اندازه ضرورت بیان می کند ؛ و در غیر این صورت ، سکوت و خاموشی را بر می گزیند.

آدمی مخفی است در زیر زبان
این زبان پرده است بر درگاه جان

چونکه بادی پرده را در هم کشید
سر صحن خانه شد بر ما پدید

کاندر آن خانه گهر یا گندم است
گنج زر یا جمله مار و کژدم است

امیر مؤمنان (ع) در سخنی دیگر می فرماید :

"لسان العاقل وراء قلبه ، و قلب الأحمق وراء لسانه".

یعنی : زبان عاقل در پشت عقل او قرار دارد ، و عقل احمق در پشت زبان او.

بنا بر این ، انسان عاقل ، اول می اندیشد و سپس سخن می گوید ، و فرد نادان ، نخست سخن می گوید و سپس در باره آن فکر می کند. بدین جهت ، حکیمان جهان ، مردم را به تأمل و سکوت قبل از هر سخنی دعوت کرده اند.

پیامبر گرامی (ص) در روایتی می فرماید:

"إِنَّ أَكْثَرَ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ".

یعنی : بیشترین اشتباهات آدمیان به خاطر زبان است.

امام علی (ع) در حدیثی دیگر چنین می فرماید :

"مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطِيئَتُهُ ، وَ مَنْ كَثُرَ خَطِيئَتُهُ قَلَّ حَيَاءُهُ ، وَ مَنْ قَلَّ حَيَاءُهُ قَلَّ وَرَعُهُ ، وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ ، وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ".

یعنی : کسی که سخنش زیاد باشد اشتباهش نیز زیاد خواهد بود ، و کسی که اشتباهش زیاد گردد حیائش کم می شود ، و آنکه حیائش کم شود پرهیزکاریش کاهش می یابد ، و آنکه پرهیزکاریش کم شود دلش می میرد ، و آنکه دلش بمیرد در آتش دوزخ وارد می شود.

تَبَسُّم

در علم اخلاق ، توصیه شده است تا از خنده با قهقهه و صدای بلند پرهیز شود و خندیدن با تبسم باشد. دین مبین اسلام ، لبخند زدن و چهره گشاده داشتن را به پیروان خود توصیه می فرماید.

امیر مؤمنان (ع) ، تبسم را موجب بخشایش گناهان می شمارد و چنین می فرماید :

"التَّبَسُّمُ فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ الْغَرِيبِ مِنْ كَفَّارَةِ الذُّنُوبِ".

یعنی : لبخند زدن به روی مؤمن ناشناس ، موجب بخشایش گناهان است.

امام محمد باقر (ع) نیز می فرماید :

"تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ".

یعنی : لبخند انسان به روی برادر ایمانیش حسنه است.

صَبُورِي

امام علی (ع) ، صبوری در برابر کم لطفی ها و در مقام مظلومیت را به عنوان یکی از ویژگیهای پارسایان قلمداد می کند. بنا بر این ، انسان

پرهیزکار در مقابله با مخالفان خود که به شخص او ستم می کنند ، فوراً به انتقام از آنان نمی اندیشد ، بلکه با حوصله و برباری ، در انتظار هدایت آنان ، و یا انتقام الهی می نشیند. زیرا :

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند
در اثر صبر نوبت ظفر آید

ایثار

ترجیح دادن راحتی دیگران به قیمت تحمل سختی ها ، از جلوه گاه های با شکوه پارسایی و نشانه بالندگی روح انسان است.

قرآن کریم در ستایش ایثار گران که رفاه دیگران را بر خود بر می گزینند، چنین می فرماید:

"وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ".

(سوره حشر ، آیه 9).

یعنی : دیگران را بر خود بر می گزینند ، گرچه در حال تنگدستی باشند ؛ و آنانکه از بخل مصون بمانند ، رستگارانند.

فراز بیستم :

اخلاص پارسایان

"بُعْدُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَ نَزَاهَةٌ ، وَ دُنُوُّهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِينٌ وَ رَحْمَةٌ . لَيْسَ تَبَاعُدُهُ بِكَبِيرٍ وَ عَظْمَةٌ ، وَ لَا دُنُوُّهُ بِمَكْرٍ وَ خَدِيعَةٌ".

ترجمه : دوری او از برخی مردمان به خاطر پارسایی و پاکی است ، و نزدیک شدنش به برخی دیگر از روی نرمخویی و مهر ورزی است. دوری او به خاطر تکبر و خود بزرگ بینی نیست ، و نزدیکی او نیز از روی مکر و نیرنگ نمی باشد.

شرح :

از این عیارت روشن می گردد که پارسایان به آن درجه از کمال اعتقادی و خلوص نیت رسیده اند که خواست خداوند را معیار همه رفتارهای خود قرار می دهند و در همه احوال ، در مسیر مشیت الهی حرکت می کنند.

بنا بر این ، دوری آنها از افراد نا باب ، تنها به خاطر زهد و پاکی آنان است ، و معاشرت آنان با انسانهای شایسته ، توأم با نرمخویی و در راستای مهر ورزی است. هیچ عامل دیگری مانند ترس و طمع و یا مکر و دسیسه ، معیار تنظیم روابط او با دیگران نخواهد بود.

امام علی (ع) ، سخن خود را در این خطبه با این فراز که بیانگر نیل پرهیزکاران به مقام اخلاص است خاتمه می دهد؛ زیرا این مقام ، اوج شکوه روح انسان را به نمایش می گذارد ، و بدین جهت ، عالیترین لطف خداوند را نیز بدنبال دارد.

حضرت فاطمه زهراء - سلام الله علیها - در روایتی کوتاه ، چنین می فرماید:

"من أصدد إلى الله عزّ و جلّ خالص عمله ، أنزل الله تعالى عليه أفضل مصلحته".

یعنی : هر کس عمل خالصانه خود را به سوی خداوند بالا بفرستد ، پروردگار نیز ، بهترین مصلحتش را بر او فرود می آورد.

از سوی دیگر می دانیم که اخلاص در عمل ، تنها در سایه معرفت حقیقی خداوند و عشق بی پایان به او حاصل می گردد. آنکه در بند محبت آن معبود بی همتا و آن معشوق بی بدیل افتاد ، محال است به خاطر شخص دیگری ، کاری را انجام دهد.

دل هر که صید کردی نرهد سراز کمندت
نه دگر امید دارد که رها شود ز بندت

به خدا که پرده از روی چو ماه خود بر افکن
که به اتفاق بینی دل عالمی سپندت

نه چمن شکوفه ای رُست چو روی دلستانت
نه صبا صنوبری یافت چو قامت بلندت

اخلاص آن است که انسان ، دل خود را با معبود خود یکدله کند و تنها رضایت خاطر او را در همه امور در نظر داشته باشد و هیچ عامل دیگری در اندیشه و رفتارش نقشی نداشته باشد.

من نمی گویم که عاقل باش یا دیوانه باشد
گر به جانان آشنایی از جهان بیگانه باش

چون قدح از دست مستان می خوری مستانه خور
چون قدم در خیل مردان می زنی مردانه باش

یا به زاهد همقدم شو یا به شاهد همنشین
یا خریدار خزف یا گوهر یکدانه باش

یا مسلمان باش یا کافر دو رنگی تا به کی
یا مقیم کعبه شو یا ساکن بتخانه باش

روشن است که خداوند ، در برابر این درجه از اخلاص و عبودیت عاشقانه که برترین نوع پرستش پروردگار است ، بالاترین مصلحت بنده خود را به او ارزانی می فرماید.

امام رضا (ع) از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت کرده اند که در این زمینه چنین فرموده اند:

"ما أخلص عبد لله عزّ و جلّ أربعين صباحا إلا جرت ينباع الحكمة من قلبه على لسانه".

یعنی : هیچ بنده ای نیست که به مدت چهل روز همه اعمال خود را خالصانه برای خدا بجای آورد ، مگر اینکه چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری گردد.

ناگفته پیداست که رسیدن به این مقام منیع و قلّه رفیع ، کاری دشوار و طاقت فرساست.

برای توضیح این امر ، به ابیات ذیل ، از عطار نیشابوری توجه فرمایید :

چون جدا افتاد یوسف از پدر
گشت یعقوب از فراقش بی بصر

موج می زد بحر خون از دیدگانش
نام یوسف ماند دائم بر زبانش

جبرئیل آمد که گر هرگز دگر
بر زبان تو کند یوسف گذر

محو گردانیم نامت بعد از این
از میان انبیاء و مرسلین

چون در آمد امرش از حق آن زمان
گشت محوش نام یوسف از زبان

گرچه نام یوسفش بودی ندیم
نام او در جان خود گفتمی مقیم

دید یوسف را شبی در خواب پیش
خواست تا او را بخواند سوی خویش

یادش آمد آنچه حق فرموده بود
تن زد آن سرگشته فرسوده زود

لیک از بی طاقتی آن جان پاک
بر کشید آهی به غایت درد ناک

چون ز خواب خود بجنبید او ز جای
جبرئیل آمد که می گوید خدای

گر نراندی نام یوسف بر زبان
لیک آهی بر کشیدی آن زمان

در میان آه تو دانم چه بود
در حقیقت توبه بشکستی چه سود

عقل از این کار سودا می کند
عشق بازی بین که با ما می کند
